



اصلاح الگوی مصرف

در گفت و گو با دکتر محمدرضا مخبر دزفولی
دبیر شورای عالی انقلاب فرهنگی

دکتر محمدرضا مخبر دزفولی استاد پایه ۲۲ دانشگاه تهران است و از سال ۱۳۸۱ تاکنون عضو شورای عالی انقلاب فرهنگی است و در سال ۱۳۸۴ به عنوان دبیر این شورا انتخاب شد. ایشان همچنین عضو هیات امناء دانشگاه تهران و دانشگاه علوم پزشکی تهران، عضو هیات امناء انستیتو پاستور ایران، عضو وابسته فرهنگستان علوم جمهوری اسلامی ایران، عضو هیات امناء بنیاد ملی نخبگان، عضو هیات امناء بنیاد ایرانشناسی می باشد. دکتر مخبر در کارنامه خود ریاست کمیسیون مشورتی شورای عالی انقلاب فرهنگی، مشاورت رئیس مجلس در دوره چهارم و پنجم و عضویت شورای پژوهشهای علمی کشور از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۴ را دارد. وی همچنین دارای بیش از ۱۰۰ مقاله علمی و پژوهشی در مجلات و کنفرانس های علمی داخلی و خارجی، چندین مقاله و تحقیق در زمینه های فرهنگی و علم و فناوری، راهنمایی بیش از ۳۰ رساله دکتری عمومی و تخصصی دامپزشکی، برنده جایزه کتاب سال در سال ۱۳۸۱ و ۱۳۸۶، مدیریت تعداد زیادی از طرح های پژوهشی - فرهنگی در زمینه آموزش عالی، تحقیقات، آموزش و پرورش و فرهنگ عمومی، ناظر چندین طرح پژوهشی - فرهنگی با موضوعات مختلف از جمله بررسی نقش جریانهای مذهبی در جنبش دانشجویی کشور است. آنچه که در ذیل می آید مشروح گفت و گوی ماهنامه مهندسی فرهنگی با ایشان در زمینه اصلاح الگوی مصرف است.

اصلاح الگوی مصرف چه ابعادی دارد، ضرورت‌ها و زمینه‌های تاریخی طرح این موضوع و نامگذاری سالی با نام اصلاح الگوی مصرف چه بوده است؟

انقلاب اسلامی، بعداز پیروزی مسیری را برای خودش تعریف کرد و در این مسیر که در حقیقت رسیدن به یک جامعه اسلامی - الهی و انسانی و معرفی دین به عنوان یک الگوی نجات بخش برای بشریت می‌باشد، گام‌های مختلفی را برداشته است. الان که حدوداً ۳۰ سال از پیروزی انقلاب می‌گذرد، در بخش‌های گوناگون تلاش کرده‌ایم این رویکرد را نشان بدهیم؛ وقتی می‌گوییم که الگوی حیات بخش بشریت، معنای آن این است که ما باید بتوانیم در بخش‌های گوناگون راهی را جلوی پای بشر قرار بدهیم که حاصل آن، سعادت بشر باشد. حالا چرا سعادت بشریت را دنبال می‌کنیم، نه فقط برای یک محدوده جغرافیایی خاص، بلکه در یک محدوده جهانی، برای اینکه آرمانی که مردم ما برای خودشان تعریف کرده‌اند، نگاه آن، نگاه نوع‌دوستی و بشردوستی و انسان دوستی است. صرف نظر از محدودیت‌های جغرافیایی، قاعدتاً این نگاه آرمان خواهانه پیام‌هایی با خودش دارد؛ مثلاً وقتی ما می‌گوییم پیام انقلاب اسلامی عدالت است، این عدالت تنها در محدوده جغرافیایی ما معنا ندارد، برای همه کسانی که در کره خاکی زندگی می‌کنند مفهوم عدالت یک مفهوم زیبایی است.

مثلاً وقتی می‌گوییم جامعه پیشرفته داشتن و حرکت رو به جلو برای همه جوامع امر مطلوبی است. بقیه موارد هم همین است؛ آزادی خواهی، انسان دوستی، طرفدار مظلوم بودن، مخالف ظالم بودن، دفاع از انسان‌های محروم، طرفداری از مستضعفین، مواجهه با آن کسانی که تکاثر و اموال نامشروع جمع می‌کنند؛ همه این‌ها در یک پله، به‌عنوان آرمان‌های انقلاب مطرح می‌شود. اما اینها باید خودشان را در صحنه و در زندگی جاری و ساری مردم نشان بدهند. یک روز ما می‌گفتیم آموزه دینی‌مان این است که علم را دوست دارد. علم را از جنس حقیقت می‌داند، انسان را هم حقیقت‌جو می‌داند،

پس جامعه اسلامی طالب علم است. امروز می‌بینید که ما در بسیاری از قله‌های علمی حرفی برای گفتن داریم. در بسیاری از زمینه‌های علمی به قله‌هایی که در دنیا مطرح است نزدیک می‌شویم نه اینکه حالا قطعاً به آن رسیده‌ایم. یا وقتی می‌گوییم ما طرفدار آزادی انسان‌ها و در حقیقت دفاع از مظلومین در مقابل ظالمین هستیم، روی حرفمان ایستاده‌ایم. لذا وقتی در یک نقطه از کره خاکی انسان‌هایی مورد ظلم و ستم واقع می‌شوند؛ از جمله کشورهایی که از آن مظلومین دفاع می‌کند، انقلاب اسلامی است. اگر ما گفتیم که ما طالب این هستیم که فرهنگ عمومی را ارتقا دهیم، مقایسه می‌کنیم با ۳۰ سال قبل و می‌بینیم که نرخ باسوادی در جامعه ما از رقمی که نزدیک به ۲۹ و ۳۰٪ بوده به یک رقم بسیار قابل توجهی که نزدیک ۸۷ تا ۹۰٪ است، رسیده است. ما تقریباً به سمت یک جامعه کاملاً باسواد حرکت می‌کنیم و به آن نزدیک می‌شویم. من اینها را می‌گویم که بدانید وقتی ما شعارهایی را در انقلاب طراحی کردیم، این شعارها یک مسیری را باید طی کند تا به آن بلوغ و رشد خودش برسد. یکی از شعارها این بوده که بیشتر کار کنیم. بیشتر تولید کنیم. کمتر مصرف کنیم (نه مصرف نکنیم). برای اینکه جامعه ما به جامعه مولد مبدل شود یک زیر ساخت‌ها و طراحی‌هایی نیاز داشته است. این طراحی‌ها به نظرم بخش زیادی از آن در کشور در بخش‌های

مختلف صنعت، کشاورزی، خدمات، علمی و آموزشی ایجاد شده است. اما اینها باید تبدیل شود به یک موتور چالاک با کیفیت، که در عین داشتن سرعت کافی، با کمترین هزینه ما را به هدف برساند، اگر این نگاه را پیدا کنید آن وقت متوجه می‌شوید که چرا ما امروز به شدت نیاز داریم به اینکه در جامعه دارای الگوی مصرف مناسب باشیم.

تردید نکنید منابع خدادادی و ذخائری که وجود دارد محدود است. یعنی به صرف اینکه ما نفت و گاز داریم، به صرف این که ما ذخائر معدنی ... داریم مجوز مصرف بی‌رویه را نمی‌دهد. کما اینکه اینها منابع

امروز به شدت نیاز داریم به اینکه در جامعه دارای الگوی مصرف مناسب باشیم و در یک رویکرد بلندمدت آن را تبدیل به یک گفتمان رایج کنیم

لا يزال نیستند و تمام شدنی هستند. این فقط برای منطقه ما معنا ندارد. تمام منابع این‌چنینی در سطح جهان رو به کاهش و از بین رفتن هستند. آنچه که باقی می‌ماند، قدرت خلاقیت و نوآوری است. با استفاده از این قدرت، هر جامعه‌ای در بازار رقابت جهانی و منطقه‌ای زودتر به اهدافش در ارتباط با رسیدن به رفاه مادی و معنوی می‌تواند برسد. مصرف تنها نباید اصلاح شود بلکه با قدرت فکر و تفکر خلاق استفاده بهینه باید از آن صورت بگیرد. ما نیروی انسانی برجسته‌ای داریم. افرادی که دارای ضریب هوشی خیلی خوبی هستند، کم نداریم. زیرساخت‌های علمی - تخصصی و پژوهشی که امکان بالا بردن کیفیت و بازده را می‌توانند داشته باشند را داریم. اگر همه اینها را داشته باشیم رواست که ما همچنان مسیر صد ساله گذشته را که از ذخائر استخراج و مصرف کنیم را ادامه دهیم؟ قاعدتاً هر عقل سلیمی این را نفی می‌کند. ضرورت‌ها ما را وادار می‌کند به اینکه از این منابع - چون فقط متعلق به یک نسل در یک زمانه خاص نیست و تعلق به نسلهای آینده هم دارد - درست، با کیفیت خوب و با کارآمدی مناسب استفاده کنیم. به نظر من اصلاح الگوی مصرف یعنی یک رویکرد اقل‌میان مدت و یا بلند مدت، اگر اینچنین بشود ما دنبال این هستیم که در یک رویکرد بلند مدت این اصلاح الگوی مصرف را ابتدائاً تبدیل به یک گفتمان رایج کنیم. گفتمان رایج در حقیقت تولید ایده‌ها و افکار و نظریه‌های گوناگون پیرامون یک رویکرد و یا یک استراتژی است. اگر این تبدیل به گفتمان رایج شود در بین نخبگان و در بین عموم جامعه به تدریج تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. وقتی تبدیل به یک فرهنگ شود نسبت به آن در افکار و باور عمومی علقه و دلبستگی ایجاد می‌شود. وقتی دلبستگی ایجاد شد به‌عنوان یک هنجار مثبت در جامعه به آن نگاه می‌شود و هرگاه یک فرهنگ تبدیل به یک هنجار مثبت شد، زمینه تبدیل شدن آن به یک رفتار فردی و اجتماعی به خوبی فراهم می‌شود. اگر چنین رویکرد را در موضوع اصلاح الگوی مصرف داریم دنبال می‌کنیم، باید سهم هر بخش و اجزاء فرهنگی و غیر فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در اینکه چنین اتفاقی بیفتد، کاملاً معلوم شود. همه بتوانند در این مجموعه تبدیل گفتمان به فرهنگ، فرهنگ به هنجار و هنجار به رفتار ایفای نقش کنند. اگر تبدیل به رفتار شد بدانید که در موضع فردی و در موضع

اجتماعی، مصرف در موضع خودش قرار می‌گیرد.

رهبر معظم انقلاب فرمودند که اصلاح الگوی مصرف، یعنی معلوم می‌شود یک مصرف صحیحی بوده است، بعد در یک دوره زمانی یک انحراف از مصرف صحیح در جامعه پیدا شده. این انحراف باید اصلاح شود به مسیر درست خودش برگردد.

آیا این موضوع در کشورمان سابقه تاریخی هم دارد؟

بله، شما در ابتدای پیروزی انقلاب و دوران دفاع مقدس به این رویکرد توجه کنید. وقتی مصرف به حد درست برای یک هدف بلندتر مورد توجه آحاد جامعه قرار بگیرد، حاصل آن از خود گذشتگی، فداکاری و افزایش تلاش در جامعه است. ما در دوره پیروزی انقلاب این را دیده‌ایم که در جامعه علی‌رغم کمبودهایی که در ارزاق عمومی بود. در دوره پیروزی انقلاب که مردم تظاهرات و مقابله با رژیم طاغوت می‌کردند جوان‌هایی از این جامعه و اقلیت‌های و صنفی و مجموعه‌هایی، این حداقل‌ها را هم به نحو مناسب به مخاطبین خودشان می‌رسانند. بعد از پیروزی انقلاب هم به وفور به خصوص در دوره جنگ، در چنین دوره‌های زمانی، همه دنبال این هستند که از خود بگذرند و به دیگری کمک کنند؛ عین آن حادثه‌ای که در صدر اسلام اتفاق افتاد که وقتی اصحاب پیغمبر گرسنگی زیادی کشیده بودند یک خرما بین چند نفر تقسیم می‌شد. می‌خواهم بگویم میزان از خودگذشتگی آن‌گونه می‌شد که آن فرد به فرد بعدی می‌دهد و فرد بعدی به دیگری. اگر چنین رویکردی در فضای عمومی جامعه حاکم باشد و در عین حال در تنگنا هم نباشد ببینید چه اتفاقی می‌افتد. چه مقدار ذخائر در کشور باقی می‌ماند، چه مقدار منابع حفظ می‌شود. چه مقدار منابع، بهینه و درست مصرف می‌شود. ما به برکت سال‌های پیروزی انقلاب دیدیم که بسیاری از اسراف‌ها و منشاها و رفتارهایی که فرهنگ شده بود مثلاً در ازدواج، در دوران قبل از انقلاب بخصوص این اواخر دوران رژیم گذشته ریخت و پاش و اسراف و تبذیر در ازدواج‌ها و تشریفات شدن به شدت افزایش پیدا کرده بود اما شما بسیاری از ازدواج‌ها و یا قریب به اتفاق ازدواج‌های دوران بعد از پیروزی انقلاب اسلامی را در آن سال‌های اول بعد از پیروزی انقلاب را نگاه کنید در کمال سادگی، معنویت و ساده زیستی اتفاق افتاده

توسعه در نگاه لیبرال دموکراسی غرب هدفش سودجویی و لذت‌جویی است. به همین دلیل تولیدات غرب امروز دیگر تولیدات طولانی مدت نیست. ماشین می‌سازد پنج سال محبوب است. تنوع غذایی برای اینکه لذتهای انسانی و تنوع طلبی انسانها را بیشتر می‌کند. این نگاه لذت جویانه در نگاه لیبرال دموکراسی غرب وجود دارد و ما فکر می‌کنیم اتفاقاً در بعضی از برنامه‌های توسعه بعد از جنگ، این نگاه، نگاهی بوده که این زاویه انحراف را ایجاد کرده است.

توسعه در نگاه لیبرال دموکراسی غرب هدف‌اش سودجویی و لذت‌جویی است به همین دلیل تولیدات غرب امروز دیگر تولیدات طولانی مدت نیست

ما فکر می‌کنیم در برنامه‌ریزی‌هایی که به‌عنوان توسعه در دو دهه گذشته - علی‌رغم نکات مثبت - یک رویکرد این چنینی غالب بوده، مصرف بیشتر با تولید بیشتر و لذت جویی بالاتر، چون رویکرد برخی از تدوین کنندگان و برنامه‌ریزان کشور هم بوده است. اصلاً یک عده‌ای توسعه را در ادغام شدن و تنیده شدن با جریان جهانی می‌دانستند، و لذا اگر هم توسعه را تعریف می‌کردند توسعه به معنای اینکه تبدیل شود به یک جامعه مثل جامعه غربی که مصرف بالاتر و در کنار آن تولید هم داریم. ولی تولیدی که به ثروت عمومی جامعه به طور کلی و غنا و ارتقاء جامعه تبدیل شود معنای آن نبوده، شما می‌توانید هر مقدار از ثروت برخوردار شوید و مصرف کنید. این مجوز در اسلام داده نشده است. *إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ*، حالا جامعه خیلی هم پولدار و ثروتمند باشد. مگر می‌شود ضایع کردن مال را اجازه داد. اصلاً در دین ما اگر کسی صاحب یک ثروتی هم باشد اما این ثروت را بخواهد آتش بزند و آن را ضایع کند، این حق را ندارد. چون مالکیت مربوط به خدا است. اتفاقاً چون در نگاه برنامه‌ریزی

است و لذا شما می‌بینید خیل کشوری از جوانان ما امکان ازدواج برایشان فراهم شده است. و این ناشی از گفتمان انقلاب اسلامی بوده که امام رایج کرده‌اند.

در یک دوره بعد از جنگ کم‌کم رفتارها تبدیل می‌شود به رفتارهای تشریفاتی، تجمل‌گرایانه، چشم و هم‌چشمی و این زاویه ایجاد می‌شود. من ازدواج را مثال زدم می‌توانیم نمونه‌های دیگر آن را در جامعه ببینیم. بعد این گفتمان می‌رود کنار یک گفتمان دیگر، اینکه چه اشکال دارد حالا یک مقدار هم تشریفات باشد؟ حالا مگر چه اشکال دارد هزینه به جای اینکه مهریه‌ها سبک باشد، مهریه‌های سنگین‌تر هم باشد. چه اشکال دارد به جای اینکه یک ازدواج در کمال سادگی بین دو جوان اتفاق بیفتد. حتماً خانه و زمین پشت قباله‌ها اتفاق بیفتد و... بعد یکبار این جریان تبدیل به یک گفتمان و بعد تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. در آن فرهنگ قبلی مگر استثنائاتی تشریفات داشته باشند در گفتمان بعدی رایج این بود که تشریفات باشد مگر اینکه استثنائاتی که ساده برگزار بشود. خوب این می‌شود الگوی مصرف از یک جریان درست به جریان نادرست این باید اصلاح شود و برگردد.

در دهه اول انقلاب هنوز بسترهای اقتصادی ما زیاد تولیدی نبود ولی ما در دو دهه گذشته به لحاظ زیر ساخت‌های توسعه، رشد خوبی داشته‌ایم. بحث مصرف با بحث تولید در یک ارتباط مستقیم است؛ اگر ما مصرف نکنیم بالطبع تولید هم پایین می‌آید. در همه کشورهای رسم بر این بوده وقتی به سمت تولید می‌روند سعی می‌کنند روحیه مصرف‌گرایی را تشدید کنند بخاطر اینکه بتواند برای تولید خودشان مشتری پیدا کنند. به نظر شما این دو بحث با هم در تضاد نیستند؟

این در نگاه لیبرالیستی غرب است. این توسعه با مفهوم غربی است. حضرت علی (ع) حجم زیادی تولید ثروت کرده بود. بسیاری از چاه‌هایی که در مدینه حفر و بسیاری از درخت‌های نخل کاشته شده توسط امیرالمومنین (ع) بوده است. مگر ایشان مصرفشان را بالا برده‌اند، نه، اما به سرمایه جامعه اسلامی افزوده‌اند. که باعث بالندگی و پیشرفت شد. توسعه این است.

کشور این نگاه غالب بوده است، شما می‌بینید تجملات، تشریفات و اشرافی‌گری و دامنه آن وسعت پیدا می‌کند و شما اگر ساده زیستی، درست مصرف کردن و به‌جا مصرف کردن را می‌خواهید عمل کنید در یک اقلیت قرار می‌گیرید. این به یک معنا انحراف از برنامه‌ریزی کشور است. این ثروت‌های کشور را از بین می‌برد. ما بگوییم مثلاً گاز داریم. بدون اینکه برنامه‌ریزی کنیم که این گاز چه ثروت ارزشمندی برای کشور است و بدون اینکه ارزیابی و مطالعه کنیم، که اگر این گاز را در نیروگاه‌ها بکار بردیم چه مقدار ضریب تبدیل برق و انرژی‌های دیگر را پیدا می‌کند؟ با چه مقدار مصرف چه چیزی عاید ما می‌شود؟ یعنی هزینه فایده نکنیم. به صرف اینکه دارای ثروت گاز هستیم بگوییم این مسیر باید طی شود. در حالی که امروز ثابت شده که بخشی از نیروگاه‌های ما اگر با سایر سوخت‌ها به جای گاز ساماندهی و برنامه‌ریزی می‌شد ارزش افزوده آن بسیار بالاتر بود. اینکه معنا ندارد ما می‌گوییم توسعه، این حرفی که آنها می‌زنند ما هم بزنیم و دلمان خوش باشد که برق را تولید می‌کنیم.

شما به الزام فرهنگی این موضوع اشاره کردید. ولی ما هر وقت که گفتیم می‌خواهیم یک مشکلی را رفع کنیم اول از همه رفته‌ایم سراغ کار فرهنگی، کار فرهنگی را هم نصیحت و تبلیغ تعریف کرده‌ایم. در قانون برنامه سوم و چهارم هم، بحث اصلاح فرهنگ مصرف وجود دارد اما اقدام زیادی انجام نشده است. به نظر ما باید برنامه‌هایی برای فرهنگ سازی تعریف کنیم. در کشورهای دیگر وقتی می‌خواهند یک مسئله‌ای را فرهنگ کنند، یکسری قانون و جرائمی می‌گذارند که فرد آن رفتار را انجام می‌دهد و بعد از مدتی این رفتار در وجود فرد نهادینه می‌شود و تبدیل به یک فرهنگ می‌شود. از نظر شما اگر ما بخواهیم این کار فرهنگ سازی را در موضوع اصلاح الگوی مصرف انجام بدهیم الزامات آن چیست و چگونه باید باشد؟

ما در آموزه‌های دین‌مان و هم رهنمودهای رهبر معظم انقلاب که فرمودند اصلاح الگوی مصرف معنایش این است که صرفه‌جویی یعنی درست مصرف کردن، به‌جا و کارآمد مصرف کردن، ضایع نکردن مال، و بعد یک جای دیگر فرمودند منظور

ما ریاضت کشیدن نیست. باید درست و به‌جا مصرف شود. در آموزه‌های قرآنی و سیره ائمه ما هم همین مسیر وجود دارد. شما نگاه کنید امیرالمؤمنین که مظهر زهد مجسم است در نهج‌البلاغه در وصف انسان‌های پرهیزگار می‌فرماید «مشیهم الاقتصاد» یک جای دیگر می‌فرماید «کلمازاد علی الاقتصاد اسراف»، هر چه از حد میانه‌روی بگذرد اسراف است. فرموده‌اند ریاضت. نقطه مقابل اسراف، ریاضت نیست. نقطه مقابل اسراف، مصرف نکردن و تشنگی و گرسنگی نیست. نقطه مقابل اسراف اقتصاد است و اقتصاد یعنی میانه‌روی.

ما باید شیوه و سبک زندگی ایرانی - اسلامی را هدف قرار دهیم و بر روی آن سرمایه‌گذاری کنیم

اسراف از نظر راغب اصفهانی، که می‌گوید: مفهوم اسراف تجاوز از حد و معیار در هر کاری است که از انسان سر بزند در هر کاری و نه فقط در امور مالی و اقتصادی و...، بلکه در وقت هم همینطور است. اگر شما از زمانتان به خوبی استفاده نکنید اسراف است. شما اگر از قلمت درست و به‌جا استفاده نکنی اسراف کرده‌ای، بیهوده سخن بگویی اسراف کرده‌ای، بیهوده بنویسی اسراف کرده‌ای، و بخش‌های گوناگون در اقتصاد هم همینطور است، بیهوده سرمایه‌ات را صرف هزینه‌های نابجا کنی اینها می‌شود اسراف. فرق آن با تبذیر این است که تبذیر وجه اقتصادی دارد. بذر پاشیدن و پخش کردن اقتصادی را می‌گویند.

لیبرال دموکراسی غرب می‌گوید که شما در مورد مصرف فکر نکنید ما می‌گوییم چه چیزی مصرف کنید. هر روز هم مدل‌های جدید به شما می‌دهیم. صنعت تبلیغات به

طعام تو را جلویست می‌گذارم. حتی طعام معنویت را، حتی به تو می‌گویم چه ببین، چه بپوش، کجا برو، کجا نرو، همه اینها را او به تو می‌گوید به تو می‌گوید چه بپوش برای تو سالن مد درست می‌کند و بعد مدها را مرتب تغییر می‌دهد و آن مدی را که هویت ساز است (از نظر آن‌ها) و می‌خواهد آن هویت را تحمیل کند را تبلیغ می‌کند نه مدی را که شما بر اساس باور و نگاه خودت داری پیش می‌روی، چون ما با مد مخالف نیستیم. ما مد را دوست داریم اما می‌گوییم مدی که بر خاسته از درون باشد نه برگرفته از بیرون. او می‌گوید چه بپوش، چگونه راه برو، آن رفتاری که من می‌گویم باید داشته باشی، او نمی‌گوید مینا

اگر مصرف به حد درست برای یک هدف بلندتر مورد توجه آحاد جامعه قرار بگیرد، حاصل آن از خود گذشتگی، فداکاری و افزایش تلاش در جامعه است

خانواده است. شما در آموزه‌های دینی می‌گویید جامعه خانواده محور است و بعد اومانیزم - یکی از محورهای لیبرال دموکراسی غرب است - می‌گوید تا وقتی شما با هم چیزی ندارید که تلاقی منافع پیدا نکنید، لذا آنجا آزادی‌هایتان محصور می‌شود. ولی تا تلاقی پیدا نکنید تضادی وجود ندارد. اگر می‌گوید ما باید شیوه زندگی خودمان را تبیین کنیم چیزی که غفلت کردیم نه فقط در روش‌های عمومی، هنر، رمان و کتاب و در رفتارهای عمومی مسئولان و مدیرانمان... نمی‌گوییم به اینها توجه نکرده‌ایم اما در خور توجه نکرده‌ایم. در جایگاه و شأن آن توجه نکرده‌ایم باور ما این است که اگر اساس جامعه ما خانواده محوری است. چیزی که در دنیا به‌عنوان فروپاشی از درون در دنیا دارد اتفاق می‌افتد یعنی غرب الان یک لایه‌اش فروپاشی تجارت و اقتصاد لیبرال دموکراسی است و یک لایه آن فروپاشی اجتماعی فرهنگی است که پاشیده شدن خانواده از هم اتفاق می‌افتد. یعنی در غرب با

شکل خاصی در این جوامع وجود دارد. تبلیغ‌های بسیار زیادی که موارد آن را جاهای دیگر هم می‌بینید. مثلاً در دنیای امروز برندهای معروف کره را می‌شناسند. ولی کسی رئیس جمهور کره را نمی‌شناسد. فرهنگ مصرفی که همین دغدغه‌ها باعث شد که مقام معظم رهبری این تأکید را بکند که اصلاح الگوی مصرف را انجام بدهید. این اتفاقات از رسانه ما گرفته تا فرهنگ خانوادگی ما تأثیر گذاشته در لایه‌های مختلف این تغییر را ایجاد کرده است. یاد می‌آید چند سال قبل یک دیداری را با مدیریت یکی از شبکه‌های رسانه‌ای هند داشتیم، حرف خوبی می‌زد می‌گفت تلویزیون ما مدرن‌تر از تلویزیون شما است و شاخص می‌آورد. می‌گفت در دین هندو، آمده که ما حسد پر خوری نداریم و همه باید ساده زیست باشند. می‌گفت در میان ما وقتی یک مهاراجه هم که زندگی می‌کند همین کار را انجام می‌دهد. وقتی یک مهاراجه را در تلویزیون نشان می‌دهیم طوری است که غذای کمتری می‌خورد. اما تلویزیون شما این کار را نمی‌کند. پر خوری در تلویزیون شما رایج است در صورتی که دستور اسلام این را نمی‌گوید. ما اگر قرار است این فرهنگ‌سازی را انجام بدهیم، باید چه کنیم؟ رسانه ما باید چه کار کند؟ مردم ما باید چه کار کنند؟ سیستم آموزشی ما چه کار کند؟ و کارخانه‌هایی که مبتنی بر همین تفکر در کشور ما ایجاد شده‌اند نمایندگی‌های آن چرخه اقتصادی عظیمی که دارد همین فرهنگ را تبلیغ می‌کند. به نظر شما باید چه کار کرد؟

نکته درستی شما می‌گویید به معنای اینکه یک توجه خوبی است. من در اوایل سال چند نکته به نظرم رسید در جلسه شورای سیاستگذاری صدا و سیما هم این را گفتم، عقیده من این است که ارائه یک الگوی صحیح مصرف در همه چیز خودش را نشان می‌دهد و لذا ما باید شیوه و سبک زندگی ایرانی و اسلامی را هدف قرار بدهیم. در شیوه زندگی ایرانی اسلامی، تمام چیزها به نحو مناسب آن اگر خوب تبیین شود، وجود دارد. این شیوه غربی است که فست فود را توصیه می‌کند. چون ما در تفسیر داریم که طعام عبارت است از طعام مادی و معنوی. او (لیبرال دموکراسی غربی) می‌گوید تو به طعامت نگاه نکن من

ندارد. در این خانواده نگهداری پدر و مادر پیر است. در این خانواده اتفاق است. صدقه است، همه این صفت های خوب است. اگر ما توانستیم سبک و شیوه ایرانی و اسلامی را تبدیل به یک محصول قابل ارائه کنیم، این محصول می تواند در قالب یک فیلم، یک سریال و یا یک انیمیشن باشد. همین سینماگران ما که دارند فیلم می سازند چه خوب است که با این رویکرد فیلم بسازند. البته باید سختی ها و ناکامی های آن را هم نشان داد. الگویی که می خواهد جامعه را به سمت تولید بیشتر، مصرف کمتر، و استفاده بهینه سوق بدهد باید بتواند در سبک زندگی ایرانی و اسلامی خودش را نشان بدهد. به نظرم یکی از نکات کلیدی است.

نکته دوم که به نظرم مهم است، ارائه یک استاندارد برای مصرف و اسراف است. ما برای اینکه قضاوت کنیم که چه چیزی مصداق اسراف است، نیاز به یک معیاری داریم؛ همینطور که نمی توانیم بگوییم فلان مورد مصداق اسراف است! یک جایی رهبری می فرمایند که ممکن است جایی پول کمی مصرف کنید این اسراف باشد و یک جا می فرمایند ممکن است چند صد میلیارد خرج کنید ولی این اسراف نباشد. چه معیاری دارد که اگر اینجا نگاه کردید بگویید این مصداق اسراف و این مصداق اسراف نیست. باید شاخص های این درآید.

یکی از مهمترین محورهایی که می تواند مورد توجه قرار بگیرد که شما اصلاح الگوی مصرف را به خوبی در جامعه نهادینه کرده اید و کار بلندمدتی است؛ افزایش ضریب بهره‌وری است. شاخص بهره‌وری باید بالا برود، الان ما جزء کشورهای هستیم که در مقایسه با دنیا شاخص بهره‌وری پایینی داریم، شاخص بهره‌وری هم همه عرصه‌ها را شامل می‌شود. البته در اقتصاد خودش را بیشتر نشان می‌دهد. در شاخص بهره‌وری که البته براساس تولید ناخالص ملی تعریف می‌شود؛ یعنی به نسبت آنچه که شما از اقتصاد فعال می‌توانید در نظر بگیرید بدون اینکه سرمایه‌گذاری کنید؛ یعنی بدون سرمایه‌گذاری ما یک هدف در برنامه چهارم گذاشتیم در برنامه پنجم هم همین مسیر را می‌رود و ۳۱٪ کل اقتصاد از این منظر یعنی با افزایش بهره‌وری با افزایش راندمان تأمین شود. همین الان این شاخص در هند ۴۲٪، چین ۴۷٪ است؛ یعنی در چین ۴۷٪ اقتصاد آن و آنچه که

هم بودن به جای ازدواج را تعریف کردن؛ یعنی به جای زوجیت که خداوند بشر را مذکر و مؤنث خلق کرد، تجویز هم‌جنس‌بازی و هم‌جنس‌گرایی دادن و هکذا... این یعنی فروپاشی از درون، به مفهوم اینکه فروپاشی در سرمایه‌داری غرب اتفاق می‌افتد. حالا باور ما خانواده محوری است پس باید برویم سبک و شیوه یک خانواده ایرانی و اسلامی را بر روی آن سرمایه‌ریزی کنیم. کتاب می‌خواهیم بنویسیم. این خانواده را خوب معرفی کنیم. نه خانواده خمود و افسرده و عقب مانده. یک خانواده شاد و بانشاط، نگاه رو به جلو و رشد داشتن، پیشرفته بودن به معنای واقعی قضیه، در عین حال الهی بودن، توکل به خدا داشتن، تمام صفات خوب را با خودش همراه داشتن، اگر شما در جامعه توانستید معرفی کنید، در تلویزیون و سینمایش هم همینطور است. در کتاب‌های درسی‌اش و در کتاب‌های داستانی اعم از کوتاه و بلند و کودک و نوجوان و بزرگسال و... هم همینطور است. اگر توانستید این شیوه را نشان بدهید که اول گفتمان بشود و بعد آن فرهنگ را معرفی کنیم و به عنوان هنجار جا بیفتد، تبدیل به رفتار در خانواده اسلامی - ایرانی می‌شود.

اگر بخواهیم بعضی از مؤلفه‌های آن را بشناسیم، این مؤلفه‌ها کدامند؟

در خانواده اسلامی - ایرانی پدر، مادر و فرزند جای خودشان را دارند. هر کدام از اینها حقوق و تکالیفی بر عهده دارند. اگر می‌خواهند فرهنگ صرفه‌جویی را نشان بدهند، آب دادن به باغچه را نشان می‌دهد. در شستشوی دست و صورت و حمام کردن، خودش را نشان می‌دهد. این در فرهنگ ما نیست که در تمام ساعاتی که یک فرد حمام می‌کند و یا باغچه را آب می‌دهد، شیر آب باز باشد این آموزش آب دادن به باغچه و یا گلدان می‌تواند حجم زیادی از مصارف را بهینه کند - گرچه مصارف آشامیدنی آب در کشور در موارد آپارتمان و خانگی ۱۰٪ هم کمتر است - اما نزدیک به ۹۳٪ مصارف کشاورزی که آنجا هم که وقتی از متخصصین شما سؤال می‌کنید می‌گویند که ضریب بهره‌وری ۳۰٪ است که اقلاباً باید این ضریب بهره‌وری ۶۰ تا ۷۰٪ باشد که شما از آب بتوانید استفاده بهینه کنید.

در این خانواده صله ارحام است، در غرب صله ارحام معنی

به آورده آن افزوده می‌شود، از محل بهره‌وری است. یعنی هم در هزینه‌ها و هم در افزایش کیفیت و افزایش درآمد و سود مطرح می‌شود که شما می‌توانید به آن توجه کنید. ژاپن ۵۳٪ است. مال ما کمتر از ۱۰٪ است. ما باید یک هدف‌گذاری کنیم که این بهره‌وری به اقل ۳۰٪ و بالاتر برسد.

ما وقتی می‌رویم سراغ ژاپن یک پس‌زمینه‌های فرهنگی و دینی را در ژاپن می‌بینیم، دین آنها یک جور وطن پرستی است. ساخت ژاپن بعد از جنگ جهانی همینطور شکل گرفت. من همیشه، افزایش بهره‌وری و این اتفاقاتی که قرار است به یک شکل برای اصلاح الگوی مصرف بیفتند به نظر من همین است. منفعت جمع به منفعت فرد ترجیح داده بشود و این دقیقاً همان اتفاقی است که فکر می‌کنم باید در کشور ما بیفتد. همان چیزی است که شما در نظام تربیت می‌بینید. شاید زمینه انحراف هم خیلی از جاهایش همین باشد. فکر می‌کنید اگر در اینجا بخواهید از دو رویکرد نگاه کنیم. یکی نگاه رویکرد کل‌گرای حکومت را بینیم. یکی نگاه جزء‌گرای مردم نسبت به حکومت را ببینیم. این دو هر کدام چه نقشی را باید بازی کنند؟

بهره‌وری فقط این نیست. بهره‌وری در فرد، سازمان، جامعه، سطح ملی و سطح جهانی معنا دارد. چون نظام سرمایه‌داری می‌آید این را یک طور تعریف می‌کند. نظام سوسیالیستی و کمونیستی یک جور تعریف می‌کند. نظام‌های بینابینی بر اساس یافته‌ها یک جور دیگری تعریف می‌کنند. اعتقاد ما این است که هر چیز باید جای خودش را پیدا کند. البته بهره‌وری اگر به صورت فرهنگ دربیاید خانواده نقش بسیار مهمی در آن ایفاء می‌کند. یک خانواده مولد، کارآمد با پشتکار و پرتلاش را در نظر بگیرید، اگر خانواده باشد مطمئن باشید در جامعه هم همان اثر را خواهد داشت. حالا بنیان‌های آن خانواده چه است؟ افراد هستند. افراد

باید در آموزه‌ها، و همان نکته‌ای که اول گفتم یعنی نسبت به نگاه و رویکرد در آنها علقه ایجاد شود و براساس آن علقه و وابستگی که در آنها ایجاد شده، هنجار و رفتار شکل گیرد. معرفی سبک و شیوه ایرانی و اسلامی که غربی‌ها آن را براساس رویکرد فرهنگی خودشان طراحی کرده‌اند، همین سبک زندگی که شما در غرب می‌بینید می‌توانید برای آن چندین محور را استخراج کنید. آنها گفته‌اند چگونه باید بپوشی، چگونه باید بخوری، چگونه باید انتقاد کنی و لذا در آن سبک زندگی که برای خودشان تعریف کرده‌اند، آموزه‌های مبتنی بر دموکراسی غرب، جا افتاده‌اند. ما هم ناگزیر هستیم از اینکه این کار را انجام بدهیم و البته تقلیدی، جواب نمی‌گیریم. کما اینکه در چند برنامه توسعه این سبک و شیوه زندگی غربی در بحث‌های زیادی خودش را نشان داده و جواب نگرفته‌ایم. گفته‌ایم ما می‌خواهیم به کشور توسعه یافته برسیم. هر چه آنها گفتند برداریم و بیاوریم. حتی ادغام شدن در مجموعه جهانی را مطرح کرده‌اند. ما می‌گوییم این جواب نمی‌دهد. درصد بهره‌وری در هند ۴۲٪ است این سبک و شیوه خودش را دارد. به همین دلیل، یک مهاراجه که جزء طبقات ثروتمند هند است هم زندگی هندی را معرفی می‌کند. ما هم باید سبک زندگی ایرانی-اسلامی را معرفی کنیم. چینی سبک زندگی خودش را مطرح می‌کند، به همین دلیل وقتی برای تولید برنامه‌ریزی می‌کند متناسب با نگاه فرهنگی خودش

برنامه‌ریزی می‌کند. می‌گوید من یک میلیارد جمعیت دارم. آخرین دستگاه‌ها و تکنولوژی کشاورزی جواب نمی‌دهد. چون کارگر نمی‌تواند کار کند و بیکار می‌شود. همین الان در چین در مناطقی یک عده با گاو آهن کار می‌کنند من یک مثال علمی برای شما بزنم در این مقوله هم اگر تقلیدی عمل کنیم، همان نگاه صرف غرب گرایانه حاکم باشد، نه نگاه اسلامی و ایرانی چه می‌شود؟ ما در بسیاری از مراکز تحقیقاتی‌مان آخرین دستگاه‌های آزمایشگاهی و آنالیزهای آزمایشگاهی را داریم بعد می‌بینیم دارد خاک می‌خورد.

یکی از مهم‌ترین
محورها در بحث
اصلاح الگوی
مصرف افزایش
ضریب بهره‌وری
است

می خواهیم به شما بگویم اینها سخت و پیچیده است و البته اگر برنامه ریزی درست برای آن بشود، در یک دوره زمانی قابل قبول دست یافتنی است. ولی باید از شتابزدگی و قضاوت‌های مشاهده‌ای، پرهیز کنیم. شئون اجتماعی جوامع و جامعه مان را در نظر بگیریم.

شان اجتماعی یکی از بحث‌های مهم حوزه جامعه شناسی است که نشان دهنده جایگاه یک خانواده و یا طبقه در هرم اجتماعی است. متأسفانه در یکی دو دهه گذشته مسئله شکل‌گیری شأن اجتماعی بر اساس مصرف در جامعه مطرح می‌شود. برای حل این مشکل راهکار شما چیست؟

ما می‌گوییم شاخص‌های این باید بر اساس الگوی اسلامی و ایرانی استخراج شود. این کارهای سنگین و سختی است که باید اتفاق بیفتد و این شاخص‌ها که تعریف شود امکان ارزیابی مهیا می‌شود و گرنه این شاخص‌ها نباشد از نگاه شما ممکن است یک موضوع اسراف باشد. از نگاهی دیگر، اسراف نباشد. بعد یک بهم ریختگی در قضاوت‌ها در جامعه و ریاکاری به وجود می‌آید. وقتی ریا هم بشود دیگر تولید و پیشرفت در آن نیست. مرتب به دنبال این هستیم که لایه‌های حقیقت را بپوشانیم. در آن صورت دیگر تولیدی اتفاق نمی‌افتد.

یک نکته آخر هم بگویم. در این موضوع هم که همه برنامه‌ریزان کشور باید تلاش کنیم. چه در حوزه فرهنگ و چه بخش‌های دیگر، اولویت‌ها را مشخص کنیم؛ مثلاً اگر در مورد موضوعات مهمی مثل آب، نان، انرژی و... اولویت‌گذاری کنیم و در یک دوره زمانی روی بهره‌وری آن هم کار بشود و هم الگوی مصرف آن به خوبی تبیین بشود و هم در رفتار فردی و اجتماعی ما نهادینه شود، چقدر ثروت بر این کشور اضافه می‌شود و برای این کشور اندوخته می‌شود. البته چیزهای جزئی و کوچک هم باید مورد توجه باشد، نمی‌گوییم از آنها غفلت کنیم. اما اهم و فی

یک مدت یکی از بحث‌ها این بود که در دانشگاه‌ها ببینید چه مقدار دستگاه آمده است که الان تاریخ آن گذشته یعنی؛ مدل‌های جدید پیشرفته تری در دنیا است. حتی از نظر اقتصادی صرفه نمی‌کند.

آن شیوه اداره عمومی و مدیریت علم به دلیل تقلید کورکورانه در برخی از مقاطع و یا تقلید مقهورانه که آن طرف هر چه گفت همان است. این‌ها را می‌آورد، بعد در دانشگاه شما می‌ماند. اصلاً استفاده نمی‌شود مثلاً بسیاری از دستگاه‌های گروه‌های گوناگون علمی، وجود دارد و دانشجوی شما مشتاق است استفاده کند. اما آن نیز برای این که محقق و متخصص از آن استفاده کند، طراحی نشده است. این از مصداق‌های کامل رویکرد توسعه‌ای است که بدون توجه به الزامات ملی و دینی و بومی شکل می‌گیرد. چه مقدار هزینه صرف شده است. در الگوهای ساخت مسکن هم همینطور است، در پوشاک هم همینطور. شما چه مقدار تنوع در پوشاک به صورت تحمیلی به جامعه القا می‌کنید. همه این‌ها از بین می‌رود، الا قدرت خلاقیت و نوآوری، که نمی‌توانند آن را از شما بگیرند. البته می‌توانند در یک دوره زمانی اجازه فکر کردن هم ندهند. اما این در مورد ما مصداق ندارد. ما ملتی هستیم که ۳۰ سال است انقلاب کرده‌ایم. مستقل هستیم. دلیل استقلال‌مان این است که روی پای خودمان ایستاده‌ایم. در دنیا هم می‌گوییم، ما فکرمان را ارائه می‌دهیم.

در حوزه سیاست این کار را می‌کنیم. در حوزه فرهنگ و در حوزه اقتصاد باید باورمان بشود که ما می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. این اعتماد به نفس که رهبری فرمودند این‌جا کاملاً به درد می‌خورد. ما باید باورمان بشود که می‌توانیم این کار را انجام بدهیم. در دوره جنک ما بارها و بارها با نبوغ ملت خودمان پیروز شده‌ایم. این اولین جنگی بود که در این چند قرن اخیر اتفاق افتاده و وجبی از خاک کشورمان از دست نرفته و دشمن هم متجاوز شناخته شده است. این‌ها تجربه‌های کمی نیست. باید به این یافته‌های خودمان توجه کنیم.

اگر گفتیم ما ۵۰ اولویت داریم. معلوم است که اولویت‌بندی نکرده‌ایم. هم امکان مدیریتی ما محدود است هم منابع انسانی ما محدودند و هم سرمایه‌های کشور این امکان را به ما نمی‌دهد

و خدمات ایجاد می‌شود. اگر این مسیر را طی کنیم، ما می‌توانیم در بخش‌های گوناگون بگوییم که به یک جامعه‌ای رسیدیم که الگوی بومی مصرف را، بر اساس زندگی ایرانی و اسلامی داریم. قاعدتاً ما به عنوان نهاد سیاست‌گذار در این برنامه‌ریزی‌های کلان می‌توانیم نقش داشته باشیم؛ که الان هم داریم به این برنامه‌ریزی وارد می‌شویم؛ یعنی در کارگروه‌هایی که هم در برنامه پنجم است و هم در بخش‌های دیگری که در این موضوع، برنامه‌تدوین می‌کنند و مسیر را برای اصلاح الگوی مصرف طراحی می‌کنند، ما حضور فعال داریم. آنگاه که لازم باشد برای بخش‌های مختلف، بخصوص حوزه‌های فرهنگی و علمی و آموزشی که مقوله‌ی مورد توجه ویژه شورای عالی انقلاب فرهنگی است، جهت‌گذاری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها را طراحی کنیم ما این مسیر را تسهیل خواهیم کرد و با اولویت در دستور کار ما قرار خواهد گرفت.

مطمئن هستیم در این مجموعه دستگاه‌هایی مثل سازمان صدا و سیما، وزارت ارشاد و دستگاه‌های تبلیغی و فرهنگی دیگر هم می‌توانند به خوبی ایفای نقش کنند. این کار ملی است و تا عزم ملی برای این کار نباشد نتیجه مناسب حاصل نمی‌شود و البته با پشتیبانی که رهبر معظم انقلاب از این جریان نموده‌اند و خود ایشان بیشترین تبیین را در این خصوص مطرح کرده‌اند ما مطمئن هستیم این عزم که از رأس نظام شروع شده به بدنه و بخش‌های دیگر هم سرایت خواهد کرد و انشاءالله هم در برنامه اجرایی کشور و هم در برنامه‌های پنج ساله و سالانه کشور و هم برنامه‌ریزی‌های کلان فرهنگی خودش را نشان خواهد داد.

الاهم و اولویت‌بندی هم باید داشته باشیم. حتماً ما نمی‌توانیم ۱۰ تا ۲۰ اولویت برای خودمان در یک دوره زمانی تعریف کنیم. می‌توانیم یک اولویت را مشخص کنیم و بگوییم مصرف‌نا را ما در کشور به یک نقطه مصرف درست رسانده‌ایم که به جای این که ۳۰٪ اتلاف ضایعات نان در کشور داشته باشیم که رقم بسیار بالایی به لحاظ ارزی و ریالی می‌شود. ۳۰٪ اتلاف کاهش پیدا کند و بتدریج نزدیک به صفر شود. اگر ما می‌گوییم اتلاف انرژی ۱۹٪ و ۲۰٪ است آن را کم کنیم و به نزدیک زیر ۱۰٪ و ۵٪ برسانیم، که با صرفه‌جویی آن رقم بسیار کلانی در کشور صرفه‌جویی می‌شود. اگر در حوزه کشاورزی این کار را انجام بدهیم که میزان بهره‌وری از ۳۰٪ به ۶۰٪ برسد، اتفاق بسیار خوبی در کشور می‌افتد. اگر بگوییم ما ۵۰ اولویت داریم؛ معلوم است که اولویت‌بندی نکرده‌ایم. هم امکان مدیریتی ما محدود است هم منابع انسانی ما محدودند و هم سرمایه‌های کشور این امکان را به ما نمی‌دهد که این تنوع و گستردگی را برای خودمان ایجاد کنیم. لذا هر چه اولویت‌ها محدودتر، دقیق‌تر، با برنامه‌تر و براساس شاخص باشد ما می‌توانیم زودتر به هدف بازگرداندن ریل اسراف به ریل درست مصرف کردن نائل بشویم؛ آن وقت در مراحل بعد می‌توانیم اولویت‌های دیگری در دستور کار قرار دهیم. پس اگر توانستیم الگوی اسلامی- ایرانی خانواده را ارائه بکنیم و اولویت‌ها را براساس شاخص، مشخص کنیم، آن وقت می‌توانیم بهره‌وری را بالا ببریم و اگر بهره‌وری بالا رفت صرفه‌جویی در هزینه، افزایش کیفیت، رفاه عمومی، درآمد و سود، رضایتمندی اجتماعی و فردی، رونق اقتصادی، اشتغال، تولید